

## بررسی تطبیقی مرور زمان در فقه و حقوق کیفری ایران با رویکردی به نظرات امام خمینی (س)

اکبر رجیبی<sup>۱</sup>

اعظم مهدوی پور<sup>۲</sup>

محمد اسحاقی<sup>۳</sup>

**چکیده:** قاعده حقوقی مرور زمان یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین نهادهای حقوق کیفری محسوب می‌شود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی مقنن آن را به‌طور کلی نسخ و حذف نمود و سپس مرور زمان کیفری را با شرایطی محدود و مقید در امور کیفری در سال ۱۳۷۸ پذیرفت؛ و نهایتاً با تصویب قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ نهاد مرور زمان را در قواعد ماهوی تصویب نمود. در این پژوهش با روش ترکیبی - توصیفی و تحلیلی و مقایسه‌ای مشخص شد که فقهای اهل تسنن یا عامه آن را به مجازات تعزیری و حتی در برخی از فرق آن (ابوحنیفه) مرور زمان را به غیر حق الناس و قصاص، دیه و حد قذف در سایر موارد بلاشکال می‌دانند؛ و فقهای امامیه مثل امام خمینی مرور زمان را در جرائم حدود، قصاص و دیات مورد پذیرش قرار نداده است و آن را مغایر موازین شرعی می‌دانند؛ ولی در جرائم تعزیری حاکم می‌تواند بنا بر مصلحت‌اندیشی مرور زمان را لحاظ کند.

**کلیدواژه‌ها:** مرور زمان، شکایت، تعقیب، صدور حکم، مجازات، مسائل فقهی، امام خمینی.

---

۱. دانشجوی دوره دکتری فقه و حقوق جزا دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.  
E-mail: khosravi219@gmail.com

۲. استادیار گروه حقوق، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).  
E-mail: amahdaviipoor@yahoo.com

۳. استادیار گروه الهیات (فقه و مبانی حقوق اسلامی)، دانشگاه تهران، ایران.  
E-mail: m.eshaghi.a@ut.ac.ir

## مقدمه

انسان از حالت انفرادی زیستن زندگی خود را آغاز و بنا به ضروریات روحی و متقاضیات محیطی اقدام به تشکیل جامعه با ساده‌ترین و کوچک‌ترین شکل آن نمود. انسان در سایه توسعه و رشد علوم، دانش‌ها و فنون جدید اجتماعات پیچیده و متعالی را به وجود آورد و البته تأثیراتی که این توسعه و پیچیدگی‌ها در زندگی اقوام و ملل مختلف به جای گذاشته به هیچ‌وجه یکسان نیست. جوامع مختلف به میزان دسترسی و بهره‌برداری از این تجربیات علمی، هر یک از ساختارهای خاصی برخوردار گردیده‌اند و به تبع خصوصیات اخلاقی و ویژگی‌های نژادی-قومی، زندگی خویش را در سایه قوانین خاص خود رهبری و هدایت می‌کنند؛ بنابراین پرواضح است که همه انسان‌ها مانند یکدیگر نیستند و در بین آن‌ها عده‌ای به دلایل اجتماعی (محیطی) اقتصادی (فقر مالی) اخلاقی (روحی و روانی) گاهی کاملاً و گاهی تا حدودی برخلاف مسیر جامعه حرکت می‌کنند و در نتیجه آنچه برخلاف شئون جامعه و قوانین حاکم بر جامعه انجام می‌پذیرد جرم و بزه محسوب می‌شود. اگرچه رفته رفته به موازات تشکیلات جوامع بزرگ‌تر و همزیستی تعداد بیشتری از افراد با یکدیگر به توسعه مبادلات و کسب اموال منجر شد، ولی از طرف دیگر بر تعداد مجرمین و نیز کمیت و کیفیت بزه نیز افزوده شد. مسئله جرم و مجازات ریشه در دوران قدیم دارد و هم‌زمان با خلقت بشر به وجود آمده است (قاسمی ۱۳۷۴: ۹).

وقوع بزه و جنایات باعث شد که هر اجتماع وجود خود را نیازمند به قواعد و اصولی بداند به نام قانون که به اجتماع حکم‌فرما باشد، قانون برای رفع نیازمندی‌های جامعه است به یاری قانون روابط افراد در جامعه تنظیم و تنسيق می‌شود تا در صورت بروز اختلاف بتوان بر مبنای معیارهای از پیش تعیین شده آن‌ها را در مراجع قانونی حل و فصل نمود (آخوندی ۱۳۷۹ ج ۴: ۳۵۷). مقنن گاهی به لحاظ رعایت مصالح و منافع اجتماع و زمانی نیز به جهت رعایت مصالح افراد و بالاخره در بعضی از موارد به ملاحظات سیاست جنایی و اقتصادی از اجرای مجازات در مورد مجرمین صرف نظر می‌نماید (آخوندی ۱۳۶۸ ج ۱: ۱۸۹). در واقع فایده‌ای که در عدم تعقیب و رسیدگی و اجرای مجازات مشاهده می‌کند بیشتر از اجرای آن است. مرور زمان به عنوان یک نهاد مسقط مجازات، ابزاری است در راستای تأسیس تأمین اهداف مجازات، ایجاد نظم و استقرار عدالت کیفری و اجتماعی که از دیرباز مورد توجه نظام‌های حقوقی جهان قرار گرفته است (صالحی ۱۳۹۳: ۴).

در حقوق کشور ما نیز در قوانین قبل از انقلاب تا سال ۱۳۵۷ مرور زمان مورد پذیرش قرار گرفته بود؛ اما با پیروزی انقلاب و استقرار حکومت اسلامی حذف قوانین مخالف و مغایر

شرع و جایگزین کردن احکام اسلامی در راستای اجرای اصل ۴ قانون اساسی به‌ویژه امور کیفری در رأس اهداف دستگاه قانون‌گذاری کشور واقع شد و بر اساس همین موضوع مرور زمان از جمله مسائلی بود که بعد از پیروزی انقلاب با مخالفت شورای نگهبان روبرو شد. در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۶۱ و ۱۳۷۰ قانون‌گذار اشاره‌ای به آن نداشت؛ زیرا مشروعیت آن از نظر فقها مورد تردید بوده و بسیاری از فقها با آن مخالفت کرده و مبنای شرعی برای آن نیافته بودند. با وجود اختلافاتی که بین فقها در این خصوص وجود داشت، شورای نگهبان در نظریه شماره ۱۳۶۱/۱۱/۲۷/۷۲۵۷ آن را مخالف موازین شرعی تشخیص داد؛ اما در موارد مختلفی همچون شکایت چک پرداخت شدنی، دعاوی مربوط به اسناد تجاری، تجدیدنظر از آراء دادگاه‌ها و تخلفات انتظامی مرور زمان در معنای عام آن پذیرفته شده است (زرعت ۱۳۹۳: ۲۹۴).

با تصویب قانون آئین دادرسی، دادگاه‌های عمومی و انقلاب در سال ۱۳۷۸ طی مواد ۱۷۳ الی ۱۷۶ مرور زمان را نسبت به جرائم مستوجب مجازات بازدارنده و اقدامات تأمینی و تربیتی پذیرفتند؛ اما به دلیل عدم وجود ضابطه تفکیک بین مجازات بازدارنده و تعزیرات، در بین قضات و حقوقدانان اختلاف ایجاد گردید که تصویب قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲ و تسری آن به مجازات تعزیری به‌طور کلی به این اختلافات پایان داد و این تأسیس حقوقی کلیه جرائم تعزیری به‌غیر از تعزیرات منصوص شرعی و مواردی که در ماده ۱۰۹ این قانون آمده را به رسمیت شناخته است.

## ۱. کلیات پژوهش

### ۱-۱. طرح مسئله

مرور زمان به‌عنوان یکی از علل عینی سقوط مجازات است. سقوط مجازات به معنای عدم اجرای مجازات است در کتاب‌های آئین دادرسی کیفری مرور زمان به‌عنوان یکی از علل سقوط دعوی عمومی ناشی از جرم مورد بررسی قرار می‌گیرد و برابر ماده ۱۳ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ تعقیب امر کیفری که طبق قانون شروع شده است و همچنین اجرای مجازات موقوف نمی‌شود مگر در موارد زیر:

- الف: فوت متهم یا محکوم علیه؛ ب: گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرائم قابل گذشت؛
- پ: شمول عفو؛ ت: نسخ مجازات قانونی؛ ث: شمول مرور زمان در موارد پیش‌بینی شده در قانون؛
- ج: توبه متهم در موارد پیش‌بینی شده در قانون؛ چ: اعتبار امر مختوم.

نویسندگان حقوقی صرف نظر از اینکه، برخی قواعد مرور زمان را از جمله قواعد شکلی و برخی آن را از جمله قواعد ماهیتی حقوق جزا تلقی کرده اند، تقسیماتی از آن را ارائه نداده اند. بعضی از اساتید مرور زمان جزایی را شامل مرور زمان جرم و مرور زمان مجازات دانسته اند (جعفری لنگرودی ۱۳۹۴:۶۳۹). اصولاً مرور زمان عبارت است از انقضای مدتی از تاریخ وقوع جرم یا تاریخ قطعیت حکم که پس از آن متهم دیگر قابل تعقیب، و حکم دیگر قابل اجرا نخواهد بود. بر این اساس مرور زمان دو نوع است: مرور زمان تعقیب و مرور زمان مجازات؛ اما طبق قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ مرور زمان چهار نوع است: (۱) مرور زمان شکایت؛ (۲) مرور زمان تعقیب؛ (۳) مرور زمان صدور حکم؛ (۴) مرور زمان اجرای مجازات (خالقی ۱۳۹۴:۱۴۱).

## ۲-۱. اهمیت و ضرورت تحقیق

بحث مرور زمان کیفری بحث حساس و مهمی است، مقنن بعد از انقلاب اسلامی مرور زمان کیفری را که یکی از عوامل مهم سقوط مجازات است و نقش ارزنده و مهمی از جهت سیاست کیفری به دلیل فصل پرونده‌های کیفری و جلوگیری از تراکم امور در مراجع قضایی از یک طرف و جلوگیری از هزینه‌های سرشار دادرسی و تأمین منافع فرد مورد تعقیب از جهت دیگر دارد به علت مغایرت با شرع اسلام منسوخ اعلام کرد ولی بعداً با تصویب آن در قانون آئین دادرسی کیفری سال ۱۳۷۸ و اصلاح آن در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ آن را مجدداً مورد پذیرش قرار داد. لذا همان‌طور که اثبات جرم و مجازات و بحث پیرامون آن حائز اهمیت است اگر عاملی برای سقوط مجازات هم در میان باشد بررسی آن عامل یا عوامل نیز دارای اهمیت است. پس به همان اندازه که اثبات جرم و انتساب آن به بزه‌کار مهم است بررسی عوامل سقوط مجازات مثل مرور زمان نیز دارای اهمیت است چرا که با مشخص شدن مشروعیت مرور زمان و چگونگی آن، پذیرش آن توسط قانون‌گذار و رویه قضایی بهتر صورت می‌پذیرد. و از طرفی با توجه به حجم بسیار بالای دعای مطروحه در دادگاه‌های ایران که بنا به اظهار نظر مسئولان قضایی پرونده‌های کشور ما بسیار بالاتر از متوسط جهانی است. استناد به مرور زمان می‌تواند به عنوان یک عامل مؤثر در کاهش رسیدگی‌ها مورد توجه قرار گیرد. و با توجه به اینکه مرور زمان پذیرفته شده در حقوق کیفری ما در وضعیت کنونی با ابهامات زیاد روبرو است. رفع این ابهامات برای جامعه حقوقی یک امر ضروری و لازم به نظر می‌رسد.

## ۲. مبانی نظری پژوهش

### ۲-۱. پیشینه

۱. حمید رضایی چرخلو (۱۳۸۹) در مقاله خود با عنوان: «مرور زمان در علم حقوق از گذشته تا امروز»، موضوع خود را این گونه مطرح می‌نماید: اولین قانون رومی که مرور زمان را مورد قبول قرار داده است، قانون ژولیا<sup>۱</sup> است که مدت مرور زمان را در مورد بزه زنا، پنج سال پیش بینی نموده و سپری شدن مدت مزبور را پاک کننده و مطهر عنوان نموده‌اند.
۲. حسن میرزایی زاده (۱۳۸۹) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با موضوع: «مرور زمان در جرائم خاص در حقوق کیفری ایران»، این گونه می‌گوید که: مجازات استفاده غیرمجاز از آب، برق، تلفن و گاز طبق ماده ۶۶۰ قانون مجازات حداکثر تا سه سال حبس است. حال اگر کسی امروز متهم شود که پنج سال قبل حق انشعاب موارد فوق را نپرداخته، چون از تاریخ وقوع جرم پنج سال گذشته است، موضوع مشمول مرور زمان می‌شود و باید نسبت به پرونده، به دلیل مرور زمان قرار موقوفی تعقیب صادر گردد.
۳. مقاله «جایگاه مرور زمان در تعزیرات از منظر فقه و حقوق اسلامی» نوشته جواد حبیبی تبار و مصطفی کرمی پور در کنفرانس ملی چهارسوی ملی علوم انسانی، شیراز، سال ۱۳۹۴ به بررسی مرور زمان در تعزیرات و مشروعیت و عدم مشروعیت آن در تعزیرات و حقوق الناس از منظر فقه و حقوق اسلامی پرداخته شده است.
۴. آقای عادل ساریخانی در پایان نامه خود تحت عنوان: «مرور زمان در حقوق کیفری ایران و اسلام فرانسه و مصر» در سال ۱۳۸۱ به بررسی مرور زمان در حقوق کشور ما طبق قانون آئین دادرسی کیفری سال ۱۳۷۸ و فرانسه و مصر پرداخته است.

### ۲-۲. تعاریف و مفاهیم نظری پژوهش

#### ۲-۲-۱. تعریف مرور زمان

##### ۲-۲-۱-۱. تعریف لغوی

مرور زمان در لغت به معنی رفتن و گذشتن، گذر کردن آمده است (عمید۱۳۶۳: ۱۰۷۹). مرور زمان در فرهنگ حقوقی عرب اغلب با عنوان التقدام و گاه مرور الزمن یا مضمی الموت بیان می‌شود و در انگلستان مرور زمان را الی می‌تیشن<sup>۲</sup> می‌گویند که معنای تحت‌اللفظی آن تحدید

---

1. Julia  
2. Limitation

است. در زبان آلمانی به آن قاعده فریه رونک<sup>۱</sup> می گویند که معنای لغوی آن ریشه دواندن و یا مزمن شدن است (سرشار ۱۳۲۹: ۹-۸). در فرانسه مرور زمان را پرسکرپسیون<sup>۲</sup> که معنی لغوی آن سرلوحه است می گویند گایوس<sup>۳</sup> فقیه رومی می گوید مرور زمان یکی از مخترعات حقوق مدنی بوده و گوژاس<sup>۴</sup> و فرریر فرانسوی<sup>۵</sup> و گروسیوس هلندی<sup>۶</sup> هم از پیروان این عقیده هستند؛ ولی برعکس پوفند ورف آلمانی<sup>۷</sup> معتقد است که در عداد حقوقی طبیعی به شمار می رود و مرلن<sup>۸</sup> و دونود<sup>۹</sup> هم که از علمای حقوق فرانسه هستند نیز از همین اصل پیروی کرده اند (سرشار ۱۳۲۸: ۴۷).

### ۲-۲-۱-۲. معنای اصطلاحی مرور زمان

مرور زمان در قوانین کیفری تعریفی از آن به عمل نیامده است؛ اما ماده ۷۳۱ ق آ د م سابق مصوب ۱۳۱۸ در تعریف آن چنین مقرر می دارد: مرور زمان عبارت از گذشتن مدتی است که به موجب قانون پس از انقضای آن مدت دعوی شنیده نمی شود.

### ۲-۲-۱-۳. مرور زمان کیفری

برخی گفته اند مرور زمان صفتی عارض بر حق مجازات به خاطر گذشتن زمان است که لازمه آن منع از ادامه دعوی یا اجرای مجازات است (نبرای ۱۹۹۶: ۲۲۵). یا عبارت از گذشتن مدتی است که بعد آن از دیدگاه قانونی، اعلام شکایت یا تعقیب و تحقیق و رسیدگی به دعاوی عمومی و سرانجام اجرای مجازات تجویز نشده است (آشوری ۱۳۹۵: ۳۳۲). یا گفته شده مرور زمان در حقوق کیفری یعنی سپری شدن مدتی که پس از آن تعقیب یا محاکمه و اجرای حکم قطعی امکان پذیر نیست، مبدأ محاسبه این مدت حسب مورد تاریخ وقوع جرم، اطلاع شاکی از آن، آخرین اقدام تعقیبی یا تحقیقی و یا قطعیت حکم است. بر همین اساس چهار نوع مرور زمان یعنی مرور زمان شکایت، مرور زمان تعقیب، مرور زمان صدور حکم و مرور زمان اجرای مجازات شکل گرفته است (طهماسبی ۱۳۹۵: ۱۹۴).

1. Verjährung
2. La prescription
3. Gaius
4. Gajus
5. Ferriere
6. Grotius
7. Pufendorf
8. Marlin
9. Dunod

### ۲-۲-۲. انواع مرور زمان

#### ۲-۲-۲-۱. مرور زمان شکایت

منظور از مرور زمان شکایت گذشت مدتی است که شاکی یا وراث او در جرائم قابل گذشت حق دارند از تاریخ اطلاع از وقوع جرم شکایت خود را در مراجع قضایی مطرح کنند و الا شکایت آنان پس از مدت مذکور شنیده نمی شود (سبزواری نژاد ۱۳۹۳: ۲۸۰).

#### ۲-۲-۲-۲. مرور زمان تعقیب

منظور از مرور زمان تعقیب انقضای مدتی است که بعد از آن دیگر متهم را نتوان تحت تعقیب قرارداد. مرور زمان تعقیب در ماده ۱۰۵ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۳ پیش بینی شده است (آقایی جنت مکان ۱۳۹۲: ۳۷۱).

#### ۲-۲-۲-۳. مرور زمان صدور حکم یا دادرسی

مرور زمان صدور حکم یا دادرسی مربوط به پرونده های تشکیل شده در جهت تعقیب جرم است. در این شکل مرور زمان با انقضای مدتی از انجام آخرین اقدام تعقیبی یا تحقیقی در پرونده تا صدور حکم قطعی شکل می گیرد به طوری که اگر در این مدت پرونده منجر به صدور حکم قطعی نگردد موضوع مشمول مرور زمان شده و دیگر نمی توان به آن رسیدگی کرد. ماده ۱۰۵ ق.م.ا به این امر اختصاص یافته است (خالقی ۱۳۹۴: ۱۴۸).

#### ۲-۲-۲-۴. مرور زمان اجرای مجازات

به موجب ماده ۱۰۷ ق.م.ا چنانچه مجرم بعد از صدور حکم فرار کند یا به هر دلیلی مجازات اجرا نشود؛ مثلاً به دلیل سهل انگاری ضابطین یا قاضی اجرای احکام، حکم محکومیت به اجرا درنیاید چنانچه محکومیت از نوع تعزیری باشد پس از سپری شدن مدت زمان مرور زمان (۵ تا ۲۰ سال) مجازات مشمول مرور زمان قرار گرفته و ساقط می شود (گلدوست جویباری ۱۳۹۳: ۶۵). البته قانون گذار مدت مرور زمان مجازات را از مرور زمان شکایت، تعقیب و صدور حکم بیشتر قرار داده است و این امر کاملاً موجه و قانونی است؛ زیرا در این موارد با یک متهم روبرو هستیم و در مرور زمان مجازات، با یک مجرمی که اتهام او به اثبات رسیده مواجه هستیم.

**۳-۲-۲. تعزیرات**

به موجب ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲: تعزیر مجازاتی است که مشمول عنوان حد، قصاص یا دیه نیست و به موجب قانون در موارد ارتکاب محرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می‌گردد. نوع، مقدار، کیفیت اجرا و مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق، سقوط و سایر احکام تعزیر به موجب قانون تعیین می‌شود (زاهدی ۱۳۹۲: ۲۲). البته در قانون مجازات جدید قانون‌گذار ابتکار جدیدی انجام داده و مجازات تعزیری را به ۸ درجه تقسیم کرده است و برای هر درجه تعدادی از مجازات با میزان متفاوت را در نظر گرفته است (شمس‌ناتری و دیگران ۱۳۹۳: ۸۷). امام در *تحریر الوسیله* می‌گوید: تعزیر کمتر از حد است و مقدار آن به نظر حاکم است و احوط (وجوبی) برای حاکم در موردی که دلیلی بر مقدار آن دلالت ننماید این است که از کمترین حدود تجاوز ننماید (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۲ و ۱: ۸۷۹ م ۵).

**۳. مرور زمان در فقه**

هرچند بررسی ماهیت قلمرو اجرایی مرور زمان از دیرباز محل فحص و نظر در میان فقهای عظام بوده؛ اما هرگز بحث از آن باب مستقلی را نگشوده است. در فقه نسبت به مرور زمان و مشروعیت یا عدم مشروعیت آن دو دیدگاه مختلف وجود دارد. در دیدگاه نخست مرور زمان پدیده‌ای مؤثر در ایجاد یا زوال حق تلقی گردیده و گفته‌اند مخالفتی با موازین حقوق اسلام ندارد؛ و در دیدگاه دوم بر مرور زمان در قلمرو حقوق اثری بار نمی‌گردد و به مخالفت با آن پرداخته‌اند. همچنین در ارتباط با مرور زمان از نظر فقها باید اذعان کرد که بین فقهای امامیه و فقهای اهل سنت اختلاف نظر وجود دارد که به بررسی این نظریات می‌پردازیم.

**۳-۱. فقهای اهل سنت**

در میان فقهای اهل سنت مسئله مرور زمان کیفری به نحو گسترده‌تری مطرح و در بسیاری از جرائم، حتی حدود عده‌ای از فقهای عام مرور زمان جرم و مجازات را پذیرفته‌اند. نظریات فقهای اهل سنت درباره مرور زمان را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد. اول نظر ابوحنیفه و یارانش و نظر دوم نظر فقهای سه مذهب اهل تسنن است.

**۳-۱-۱. نظریات ابوحنیفه و یاران او**

ابوحنیفه مرور زمان در مورد قصاص و دیات و حد قذف را به دلیل ماهیت حق الناس داشتن



آن‌ها قبول ندارد؛ اما در مورد حدود به‌جز قذف و در مورد تعزیرات معتقدند که اصل بر این است که حاکم می‌تواند در صورت تشخیص مصالح عامه بدون استناد به مرور زمان تعقیب کیفری را متوقف کند. به‌طریق‌اولی می‌تواند پس از گذشت مدت‌زمان طولانی و از بین رفتن اثر جرم، در صورت تشخیص مصلحت جامعه آن را مورد تعقیب قرار دهد (فتحی بهنسی ۱۴۰۱: ۲۳۷) لذا ابوحنیفه و یارانش بر این مبنا قائل به مرور زمان جرم هستند.

در مورد حدود، ابوحنیفه و اصحاب او بین موردی که دلیل اثبات جرم شهادت شهود باشد یا اقرار، فرق می‌گذارند آن‌ها معتقدند اگر دلیل اثبات جرم شهادت شهود باشد عقوبت به سبب تقادم ساقط می‌گردد و اگر دلیل اثبات جرم اقرار باشد به‌غیر از شرب خمر در مورد سایر جرائم مرور زمان جاری نخواهد شد. همچنین ابوحنیفه معتقد است همان‌طوری که شهادت از ابتدا در جرائمی که مدتی از وقوع آن‌ها گذشته است پذیرفته نمی‌شود. در مورد اجرای مجازات نیز پذیرفته نیست (شیری ۱۳۷۲: ۲۶۴)؛ اما در ارتباط با تعزیرات دلیل حکم هر چه باشد تفاوتی نمی‌کند (عوده ۱۴۱۲: ۷۷۹).

فقه‌های حنفی که قائل به مرور زمان شده‌اند مستند شرعی آن را استحسان قرار داده‌اند و گفته‌اند چون معنی در اسلام نداریم که مرور زمان را نهی کرده باشد پس با توجه به جواز استحسانی، حکم به جواز مرور زمان می‌دهیم و مدت مرور زمان و موضوع را به تشخیص قاضی واگذار کرده‌اند (کشوری ۱۳۷۱: ۱۳۴).

### ۲-۱-۳. نظریات مالکی، شافعی و حنبلی

به نظر فقه‌های این فرق مرور زمان در جرائم حدود، قصاص و دیات جاری نیست هرچند که مدت آن گذشته باشد و بر مبنای مصلحت، با تشخیص اولی الامر در تعزیرات قابلیت اعمال خواهد داشت. در واقع در مورد تعزیرات نیز اثر مرور زمان را سقوط تعقیب کیفری نمی‌دانند، بلکه در صورتی که حاکم، اعمال آن را به ضرر جامعه تشخیص ندهد می‌تواند بزه‌کار را تحت تعقیب قرار ندهد؛ زیرا در مورد تعزیرات اصل بر این است که حاکم می‌تواند در صورت تشخیص مصلحت عامه بدون استناد به مرور زمان، تعقیب کیفری را متوقف نماید پس به‌طریق‌اولی می‌تواند پس از گذشت مدت‌زمان طولانی و از بین رفتن اثر جرم در صورت تشخیص مصلحت عامه آن را مورد تعقیب قرار ندهد. فقه‌های فوق تفاوتی بین مسند جرم قائل نیستند و خلاصه نظر فقه‌های مزبور این است که تقادم جرم را مسقط تعقیب کیفری نمی‌دانند. همچنین این گروه معتقدند که مجازات به سبب مرور زمان نیز ساقط نمی‌شود. به دلیل اینکه

قواعد شرعی و نصوص مربوطه به طور مطلق در مورد جرائم حدود، قصاص و دیات آورده شده است و نمی توان مجازات آن‌ها را به سبب گذشتن مدت زمان ساقط نمود؛ اما در مورد تعزیرات موضوع به تشخیص قاضی است و حق مجازات یا عدم آن بسته به تشخیص قاضی دارد (شیری ۱۳۷۲: ۲۱۱).

## ۲-۳. فقهای امامیه

در آثار فقهای امامیه در مورد مرور زمان کیفری بحثی نشده است، ولی با توجه به قواعد و اصول فقهی در خصوص نفی یا تأیید آن بحث شده است که برای نمونه به نظرات برخی از این فقها می پردازیم. برخی معتقدند فقهای شیعه در شمول مرور زمان به تعزیرات صراحتاً بحثی نکرده اند؛ اما در حدود با به کار بردن واژه تقادم این بحث را در زنا مطرح کرده اند، معتقدند گذشت زمان باعث عدم قبول شهادت و سقوط کیفر نمی شود بلکه هرگاه جرمی اثبات گردد می بایستی مجرم کیفر شود (انصاری و دیگران ۱۳۸۶: ۱۹۵).

محقق حلی در این باره می گوید: «یقدح تقادم الزنا فی الشهادة و فی بعض الاخبار ان زاد عن ستة اشهر لم یسمع و هو مطرح»؛ «مرور زمان زنا به شهادت ضرر نمی رساند در بعضی از احادیث است که زیادت از شش ماه شهادت استماع نمی شود. این روایت مورد عمل فقها قرار نگرفته است» (محقق حلی ۱۴۰۸: ۱۴۰).

شهید ثانی در *مسائل الافهام* می گوید: وقتی سبب تام حد به وجود آید با مرور زمان ساقط نمی شود. (شهید ثانی ۱۴۱۹ ج ۱۴: ۵۳۱) چون اصل بقای آن است و روایتی که برخلاف این حکم رسیده متروک است و به آن عمل نشده و با عقیده برخی از فقهای اهل سنت موافق است. امام خمینی نیز در *تحریر الوسیله* در کتاب حدود، توبه مرتکب را از موارد سقوط مجازات حد تلقی نموده است نه مرور زمان. در باب حد زنا می گوید اگر زناکار قبل از اقامه بینه، توبه نماید حد رجم یا جلد ساقط می شود و اگر بعد از آن توبه نماید ساقط نمی شود و امام<sup>(ع)</sup> حق عفو بعد از قیام بینه را ندارد ولی حق عفو بعد از اقرار را دارد و اگر قبل از اقرار توبه نماید ساقط می شود (امام خمینی ۱۳۷۹ ج ۱ و ۲: ۸۶۷ م ۱۶).

بنابراین آنچه مورد اتفاق فقهای امامیه است این است که مرور زمان را مغایر موازین شرعی دانسته اند مشهور علمای امامیه به استناد نصوص و روایات واصله این معنا که «الْحَقُّ الْقَدَمُ لَا يُزِيلُهُ شَيْءٌ»؛ یعنی حق هر چه قدیم باشد چیزی نمی تواند آن را زایل کند. فتوا داده اند که حق دعوی در هیچ موقع به خاطر مرور زمان ساقط نمی گردد (محقق داماد ۱۳۷۶: ۴۲).

همچنین گفته شده: از تجزیه و تحلیل ادله مدعیان وجود قانون مرور زمان در اسلام این نتیجه

به دست می‌آید که ادله آنان همه مخدوش و وجود قانون مذکور مخالف روح مکتب مزبور و معارض قواعد و اصول استنادی مدعیان است و از لحاظ شرعی به هیچ وجه قابل تجویز نیست بلکه بالعکس در کتب فقهی مسائلی مشهود است که مؤید فقدان مرور زمان در اسلام است (شفایی ۱۳۴۵: ۲۱۴).

پس از انقلاب هم این موضوع (مرور زمان) از طرف شورای نگهبان مغایر با موازین شرعی اعلام شد و در بین فقهای معاصر در امور کیفری نیز اتفاق نظر در این خصوص وجود ندارد. به طوری که برخی فقها در مخالفت با این نهاد معتقدند:

به طور کلی ما حکومت را حق خدا می‌دانیم بر بندگان و هیچ کس جز خدا بر بندگان حق قانون‌گذاری و حکومت ندارد. بشر مختار، آزاد و مرید آفریده شده است و هیچ وجهی ندارد که اراده من بر اراده شما ترجیح داشته باشد یا اراده شما بر اراده حقیر غالب باشد. حکومت از آن خداست و خداوند مرزبندی‌ها را ایجاد کرده است؛ بنابراین باید دید در آن مواردی که قانون حق است، یعنی از جانب خداست، حقی است که خداوند برای بندگان نسبت به یکدیگر قرار داده است. در این محدوده آیا صحبتی از مسئله مرور زمان هست یا نه، اگر بود ما همان گونه که اصل قانون حق را پذیرفته‌ایم، مرور زمانش را هم با همان برهان و منطق می‌پذیریم و اگر نبود مرور زمان را با این مطالبی که به آن استناد و استدلال شده است. سقوط حق یا سقوط جرم یا عدم استماع دعوا یا ... به هر گونه که تعبیر بکنید مطلب ناصحیح و نادرستی است. در شرع ما به جز دو یا سه روایت ضعیف‌السند در مورد مرور زمان که قابل اعتماد هم نیست چیز دیگری نداریم؛ بنابراین، چه از ناحیه جرم و چه از ناحیه حق، ذی حق هر وقتی می‌تواند حق خودش را مطالبه کند و مدعی‌العموم که جنبه حقوق عامه مردم را حافظ است می‌تواند شخص مجرم را دنبال نماید. فقط در موردی این حق ساقط می‌شود که شخص مجرم قبل از القای قبض توبه کند، یعنی پیش از اینکه به دام قانون بیفتد توبه کند که در این صورت بخشیده می‌شود؛ و ایشان در ادامه می‌گوید: «... به طور کلی نظر من نسبت به مرور زمان چه مرور زمان کیفری و چه نسبت به احقاق، چیزی نیست که در شرعیات ما و احکام ما خبری از آن باشد یا مورد فتوا باشد مگر در بعضی از فروعی که نسبت به زمین وارد شده است که آن هم ممکن است در مورد زمین‌های مواتی بوده است که تغییر وضع داده‌اند و امثال ذلک،

چیز دیگری به نظر نمی‌رسد (رضوانی ۱۳۷۱: ۱۵۱).

اما عده‌ای دیگر با مخالفت با این نظر معتقدند: ما در عین اینکه قبول داریم در اسلام قانون‌گذار ذات اقدس باری تعالی است، اما بسیاری از احکام، احکام عقلانی است اسلام در اینجا تأسیسی ندارد، مؤسس نیست بلکه همان احکام عقلانی را امضا کرده است؛ بنابراین ما وحشت نکنیم، اگر دیدیم قانون مرور زمان یک حکم عقلانی است حالا چه در مسائل کیفری اعم از تعقیب و رسیدگی یا مسائل حقوقی، بگوییم اسلام حکمی ندارند. اینجا ما نیازی نداریم که اسلام بیاید یک روایتی را بیان کند و بگوید من هم مرور زمان را قبول دارم اگر پذیرفتیم تمام عقلا و نظام‌های حقوقی دنیا این مسئله را قبول دارند باید آن را قبول کنیم ولو اینکه اسلام در مورد این مسئله به عنوان تأثیر مستقل نظری نداشته باشد.

ایشان در ادامه در ارتباط با مسائل کیفری اعتقاد دارند که باید مسائل کیفری را به دو بخش تقسیم کنیم: حدود و قصاص، تعزیرات؛ و بر این باورند که باید بین تعزیرات و سایر مجازات قائل به تفکیک شد. در ارتباط با تعزیرات می‌گویند، در زمان حاضر چون در رأس مخروط حکومت اسلامی، ولی فقیه است، به عنوان عالی‌ترین مقام حکومت اسلامی، بعد از ایشان دستگاه قضایی، دستگاه قانون‌گذاری، قوه مجریه و ... که همه ابزار او هستند در حقیقت همه این‌ها به یک نحو به مقام رهبری متصل می‌شوند. در تعزیرات ما در روایات داریم: «بما یراه الحاکم» هم از ناحیه کیفیت و هم از ناحیه کمیت... نظام حکومت اسلامی که تعزیراتی را برای تأدیب افراد خطاکار تعیین می‌کند؛ مثلاً نظام «قانون‌گذار» می‌گوید فلان شخص خطاکار را تا شش ماه می‌توانیم زندان کنیم. یا برای فلان جرم شخص را فلان مقدار زندان می‌کنیم. خود او و اگر بگویید بعد از ده سال که شد، من دیگر او را تعقیب نمی‌کنم، در حالی که من تعزیرات را به دست یک شخص گذاشتم. تعزیرات به دست خدا نیست. این اختیارش به دست ولی امر مسلمین است و او این اختیار را به قوه مقننه داده است البته با صلاح‌دید قوه قضائیه. این‌ها باهم چنین قانونی را درست کرده‌اند، مثلاً قوه مقننه که ید مقننه ولی امر است می‌آید این قانون را می‌گذارد. مثلاً قانون‌گذار می‌آید و شش ماه برای کلاهبرداری تعیین می‌کند بعد خود همین قانون‌گذار می‌گوید اگر ده سال از این مدت گذشت، من دیگر تعقیب نمی‌کنم. این کجایش خلاف شرع است؟ کجای این خلاف «ما أنزل الله» است؟ کجای این با قرآن و یا سنت مخالف است؟ شما اگر چنین حقی را به ولی امر دادید که برای اداره جامعه اسلامی این کارها را بکنید و تعزیرات تعیین کند خود ایشان اگر این کارها را کرد ما می‌توانیم به ایشان بگوییم شما کار خلاف شرع کردید؟ این طور به نظر نمی‌رسد؛ و در پایان می‌گوید: خلاصه آنکه قانون مرور زمان یک قانون عقلانی است و نظام و حکومت اسلامی

و در رأس آن ولی فقیه اگر صلاح بداند که این قانون را اجرا نماید، اجرای آن مخالفتی با شرع مقدس نخواهد داشت (موسوی بجنوردی ۱۳۷۲: ۱۵۸).

همچنین برخی معتقدند باید توجه داشت که حذف مرور زمان در دعاوی، روابط حقوقی افراد را تا مدتی دچار تزلزل می کند و باعث طرح مجدد دعاوی مخومه می گردد و در نتیجه اشکالاتی برای دستگاه قضایی پدید می آید که باید نسبت به آن تدبیری منطبق با موازین شرعی اتخاذ نمود (محقق داماد ۱۳۷۶: ۴۲).

امام خمینی می گوید:

ائمه و فقهای عادل موظفند که از نظام و تشکیلات حکومتی برای اجرای احکام الهی و برقراری نظام عادلانه اسلام و خدمت به مردم استفاده کنند (امام خمینی ۱۳۹۲: ۵۵). حکومت، که شعبه‌ای از ولایت مطلقه رسول الله - صلی الله علیه و آله و سلم - است، یکی از احکام اولیه اسلام است؛ و مقدم بر تمام احکام فرعی، حتی نماز و روزه و حج است. حاکم می تواند مسجد یا منزلی را که در مسیر خیابان است خراب کند و پول منزل را به صاحبش رد کند. حاکم می تواند مساجد را در موقع لزوم تعطیل کند؛ و مسجدی که ضرار باشد، در صورتی که رفع بدون تخریب نشود، خراب کند. حکومت می تواند قراردادهای شرعی را که خود با مردم بسته است، در موقعی که آن قرارداد مخالف مصالح کشور و اسلام باشد، یکجانبه لغو کند. و می تواند هر امری را، چه عبادی و یا غیر عبادی است که جریان آن مخالف مصالح اسلام است، از آن مادامی که چنین است جلوگیری کند (امام خمینی ۱۳۸۵: ۲۰: ۴۵۲).

همچنین ایشان معتقدند، تصدی امور حسیبه و شرعیه در زمان غیبت ولی عصر (عج) از مختصات فقیه جامع الشرایط است (امام خمینی ۱۳۸۵: ۱: ۴۷).

خلاصه آنکه بنا بر آنچه اشاره شد بایستی اذعان کرد که در شرع اسلام صراحتاً در مورد مرور زمان عدم استماع دعوی اثباتاً یا نفیاً چیزی نداریم و آنچه در باب گفته شده است اجتهاد صرف است و حکم اولیه‌ای در دسترس نیست و به ناچار باید برای بررسی موضوع به سراغ احکام ثانویه، حکم عقل و عرف با لحاظ مقتضیات زمانی، ضرورت حفظ مصالح اجتماعی و سایر ضروریات و نیازهای امروز جامعه رفت و مسائل شکلی و شیوه دادرسی پیش از هر چیزی بسته به سنت و عرف‌های جامعه است؛ بنابراین پذیرش نهاد مرور زمان بیشتر متکی به توجهات قضایی و اجرایی و مشکلات ناشی از تعقیب محاکمه و اجرای حکم دیر هنگام است تا اینکه مستظهر به آموزه‌ای علمی باشد (طهماسبی ۱۳۹۵: ۱۹۶).

#### ۴. مرور زمان در قواعد حقوقی

مرور زمان در مواد ۱۰۵ تا ۱۱۳ قانون مجازات اسلامی سال ۹۲ پیش‌بینی شده است. مرور زمان عبارت است از گذشتن مدتی که پس از آن، از دیدگاه قانونی، اعلام شکایت یا تعقیب و رسیدگی به دعوای عمومی و سرانجام اجرای مجازات تجویز نشده است (آشوری ۱۳۹۵: ۳۳۲). یا اینکه مرور زمان عبارت از انقضای مدتی از تاریخ وقوع جرم یا تاریخ قطعیت آن که پس از آن متهم دیگر قابل تعقیب و یا حکم دیگر قابل اجرا نخواهد بود (خالقی ۱۳۹۴: ۱۹۴).

مرور زمان بر طبق نظر قانون مجازات اسلامی چهار نوع است: مرور زمان شکایت، مرور زمان تعقیب، مرور زمان صدور حکم و مرور زمان اجرای مجازات.

#### ۴-۱. مرور زمان شکایت

۴-۱-۱. **تعریف مرور زمان شکایت:** در مرور زمان شکایت، با گذشت مدتی از تاریخ اطلاع از وقوع جرم و عدم شکایت متضرر از جرم، دیگر شکایت کیفری قابل استماع نخواهد بود. این امر در ماده ۱۰۶ ق.م.ا.س ۱۳۹۲ پیش‌بینی شده است:

در جرائم تعزیری قابل گذشت هرگاه متضرر از جرم در مدت یک سال از تاریخ اطلاع از وقوع جرم، شکایت نکند، حق شکایت کیفری او ساقط می‌شود. مگر اینکه تحت سلطه متهم بوده یا به دلیلی خارج از اختیار، قادر به شکایت نباشد که در این صورت مهلت مزبور از تاریخ رفع مانع محاسبه می‌شود. هرگاه متضرر از جرم قبل از انقضای مدت مذکور فوت کند و دلیلی بر صرف نظر وی از طرح شکایت نباشد، هریک از ورثه وی در مهلت شش ماه از تاریخ وفات، حق شکایت دارد.

تبصره- غیر از مواردی که شاکی تحت سلطه متهم بوده، در صورتی به شکایت وی یا ورثه او رسیدگی می‌شود که جرم موضوع شکایت ماده (۱۰۵) این قانون مشمول مرور زمان نشده باشد.

۴-۱-۲. **نوع جرم در مرور زمان شکایت:** مرور زمان شکایت در جرائم تعزیری پذیرفته شده است، بنابراین در جرائم مستوجب قصاص، دیات و حدود جریان ندارد. همچنین مرور زمان شکایت در همه جرائم قابل تعزیر جریان ندارد بلکه در جرائم تعزیری قابل گذشت جریان دارد، لذا شامل جرائم تعزیری غیر قابل گذشت نخواهد بود. همچنین جرائم تعزیری قابل گذشت در ماده ۱۰۴ ق.م.ا.س ۱۳۹۲ پیش‌بینی شده است.

**۳-۱-۴. مبدأ مرور زمان شکایت:** از تاریخ اطلاع متضرر از وقوع جرم است و منظور از شروع یا مبدأ مرور زمان تاریخ شروع آن است.

**۴-۱-۴. مدت مرور زمان شکایت** یک سال از تاریخ اطلاع از وقوع جرم است. که پس از انقضای آن دعوی عمومی یا اجرای مجازات متوقف می‌شود لکن در مورد ورثه بزه دیده متوفی شاکی، از تاریخ فوت است.

**۴-۱-۵. تعلیق:** سپری شدن مدت مرور زمان شکایت، منوط به تحت سلطه متهم بودن متضرر است و با وجود یک مانع که به این اسباب، متضرر قادر به شکایت نبوده که در این صورت مهلت یک ساله مرور زمان از تاریخ رفع مانع خواهد بود.

**۴-۱-۶. قطع مرور زمان شکایت:** در مرور زمان شکایت آنچه سبب قطع این مرور زمان می‌شود اقدام به شکایت کیفری متضرر از جرم یا بزه دیده است.

## **۴-۲. مرور زمان تعقیب**

**۴-۲-۱. تعریف مرور زمان تعقیب:** یعنی اینکه پس از گذشت مدت مقرر در قانون، تعقیب متهم ممنوع بوده و در صورتی که آغاز شده باشد باید موقوف گردد (طهماسبی ۱۳۹۵: ۲۰۱). یا به عبارت دیگر، گذشت مدتی از تاریخ وقوع جرم است که پس از آن متهم دیگر قابل تعقیب نیست (خالقی ۱۳۹۴: ۱۴۷).

**۴-۲-۲. مبدأ مرور زمان تعقیب:** مبدأ مرور زمان تعقیب طبق مقررات ماده ۱۰۵ ق. م. ا از تاریخ وقوع جرم است؛ یعنی از روز وقوع جرم مرور زمان تعقیب شروع می‌شود. اگر هیچ اقدام تعقیبی انجام نشده باشد مبدأ محاسبه مرور زمان تعقیب، تاریخ وقوع جرم است. همچنین اگر اقدامات تعقیبی انجام شده باشد، مبدأ محاسبه مرور زمان تعقیب از تاریخ آخرین اقدام تعقیبی یا تحقیقی خواهد بود. در صورت فقدان نص مخالف، روز ارتکاب جرم جزء مدت مرور زمان به شمار نمی‌آید (آخوندی ۱۳۹۴ ج ۱: ۲۹۴).

**۴-۲-۳. مدت مرور زمان تعقیب:** در ماده ۱۰۵ ق. م. ا بدین شکل مورد توجه قرار گرفته است:

مرور زمان، در صورتی تعقیب جرائم موجب تعزیر را موقوف می‌کند که از تاریخ وقوع جرم تا انقضای مواعد زیر تعقیب نشده یا از تاریخ آخرین اقدام تعقیبی یا تحقیقی تا انقضای مواعد به صدور حکم قطعی منتهی نگردیده باشد:

۱. جرائم تعزیری درجه یک تا سه با انقضای پانزده سال؛
۲. جرائم تعزیری درجه چهار با انقضای ده سال؛
۳. جرائم تعزیری درجه پنج با انقضای هفت سال؛

۴. جرائم تعزیری درجه شش با انقضای پنج سال؛

۵. جرائم تعزیری درجه هفت و هشت با انقضای سه سال.

تبصره ۱- اقدام تعقیبی یا تحقیقی، اقدامی است که مقامات قضایی در اجرای یک وظیفه قانونی از قبیل احضار، جلب، بازجویی، استماع اظهارات شهود و مطلعین، تحقیقات یا معاینه محلی و نیابت قضایی انجام می‌دهند.

۴-۲-۴. **تعلیق مرور زمان تعقیب:** اصولاً اگر متهم از افرادی باشد که تعقیب کیفری او منوط به کسب اجازه باشد؛ مثل قضات چون تعقیب قبل از اخذ اجازه امکان ندارد مرور زمان تعقیب هم به جریان نمی‌افتد و باعث تعلیق یا اناطه می‌شود که از مصادیق تعلیق مرور زمان تعقیب است. طبق تبصره ۲ ماده ۱۰۵ ق.م.ا در مورد صدور قرار اناطه، مرور زمان تعقیب از تاریخ قطعیت رأی مرجعی که رسیدگی کیفری منوط به صدور آن است شروع می‌شود.

۴-۲-۵. **قطع مرور زمان تعقیب:** عامل قطع مرور زمان تعقیب شروع به تعقیب متهم است که شروع به تعقیب اقداماتی است که دادرسی انجام می‌دهد؛ مانند ارجاع شکایت شاکی خصوصی و گزارش ضابطین دادگستری به عبارت دیگر، با صدور قرار اناطه تا هنگام صدور رأی قطعی از مرجع صالح، تعقیب متهم، معلق و پرونده به صورت موقت بایگانی می‌شود. (م ۱۲۱ د ک)

۴-۲-۶. **نوع جرم در مرور زمان تعقیب:** مرور زمان تعقیب فقط در جرائم تعزیری قابل اجراست، بنابراین جرائم مستوجب حدود، قصاص و دیات مشمول مرور زمان نمی‌شوند. مضافاً بر اینکه طبق ماده ۱۹ ق.م.ا مجازات تعزیری هشت درجه است.

### ۴-۳. مرور زمان صدور حکم یا دادرسی

۴-۳-۱. **تعریف مرور زمان صدور حکم یا دادرسی:** این مرور زمان مربوط به پرونده‌های تشکیل شده در جهت تعقیب جرم است. این شکل از مرور زمان با انقضای مدتی از انجام آخرین اقدام تعقیبی یا تحقیقی در پرونده تا صدور حکم قطعی شکل می‌گیرد به طوری که اگر در این مدت پرونده منجر به صدور حکم قطعی نگردد مشمول مرور زمان شده و دیگر نمی‌توان به آن رسیدگی نمود. به عبارت دیگر، مرور زمان صدور حکم؛ یعنی اینکه از تاریخ آخرین اقدام تعقیبی یا تحقیقی مدت زمانی سپری شود که پس از آن دیگر تعقیب، محاکمه یا صدور حکم در مورد متهم جایز نباشد (طهماسبی ۱۳۹۵: ۲۰۱).

۴-۳-۲. **مدت مرور زمان صدور حکم یا دادرسی:** مدت مرور زمان صدور حکم یا دادرسی در ماده ۱۰۵ ق.م.ا، برابر با مدت مرور زمان تعقیب تعیین شده است.



۳-۳-۴. مبدأ مرور زمان صدور حکم: مرور زمان صدور حکم تاریخ آخرین اقدام تعقیبی یا تحقیقی است.

۴-۳-۴. عامل قطع مرور زمان صدور حکم: قطعیت یافتن حکم کیفری است.

۵-۳-۴. تعلیق مرور زمان صدور حکم: عواملی که بعد از انجام آخرین اقدام تعقیبی یا تحقیقی قانوناً رسیدگی و صدور حکم قطعی در پرونده را به تأخیر می‌اندازد باید موجب تعلیق مرور زمان محسوب شود؛ مانند حدوث جنون در مرتکب بعد از ارتکاب جرم.

#### ۴-۴. مرور زمان اجرای مجازات

۱-۴-۴. تعریف مرور زمان اجرای مجازات: سپری شدن مدت زمانی که قانون گذار از زمان صدور حکم قطعی در نظر گرفته است که در این صورت دیگر حکم صادره قابلیت اجرا نخواهد داشت. به عبارت دیگر در فرض مرور زمان اجرای مجازات، تعقیب به عمل آمده و مجرم محکوم شده است لکن مجازات اجرا نگردیده است.

یا اینکه چنانچه مجازات پس از صدور حکم قطعی، قبلاً دربارهٔ محکوم علیه اجرا نشده یا فقط قسمتی از آن اجرا شده و مهلت‌های مرور زمان به شرح مندرج در قانون سپری شده باشد، اجرای مجازات حتی در صورت دستیابی به مجرم فاقد مجوز قانونی است (آشوری ۱۳۹۵: ۳۴۰). به عبارت دیگر، گذشت مدتی پس از صدور حکم قطعی است که با انقضای آن مدت، اجرای مجازات مورد حکم موقوف می‌شود این نوع مرور زمان در حالتی قابل تصور است که نسبت به جرم خاصی رسیدگی کیفری صورت گرفته و منجر به صدور حکم قطعی و لازم الاجرا شده باشد ولیکن اجرای آن بنا به عللی ممکن نباشد (شامیاتی ۱۳۹۲: ۲۴۶).

۲-۴-۴. مدت و نوع جرم در مرور زمان اجرای مجازات: در ماده ۱۰۷ ق.م.ا این چنین پیش‌بینی شده است:

مرور زمان، اجرای احکام قطعی تعزیری را موقوف می‌کند و مدت آن از تاریخ

قطعیت حکم به‌قرار زیر است:

الف. جرائم تعزیری درجه یک تا سه با انقضای بیست سال؛ ب. جرائم تعزیری

درجه چهار با انقضای پانزده سال؛ پ. جرائم تعزیری درجه پنج با انقضای ده

سال؛ ت. جرائم تعزیری درجه شش با انقضای هفت سال؛ ث. جرائم تعزیری

درجه هفت و هشت با انقضای پنج سال.

در مرور زمان اجرای مجازات، مدت بدون توجه به محاسبه کیفیات مخففه و مشدده مناط است

و مورد محاسبه قرار می‌گیرد (آخوندی ۱۳۹۵ ج ۱: ۲۵۷).

ملاک برای مدت مرور زمان مجازات مقرر قانونی است این مدت با توجه به میزان مجازات قانونی ارتکاب جرم بین ۵ تا ۲۰ سال متغیر است و میزان آن یک درجه از مدت مرور زمان تعقیب بالاتر است (شمس ناتری ۱۳۹۳: ۲۴۹).

مرور زمان اجرای مجازات فقط شامل جرائم تعزیری می شود؛ بنابراین شامل جرائم مستوجب حدود، قصاص و دیات نخواهد بود.

**۳-۴-۴. مبدأ:** محاسبه مرور زمان اجرای مجازات، تاریخ قطعیت حکم صادره است. اگر اجرای تمام یا بقیه مجازات موکول به گذشت مدت یا رفع مانعی باشد، مرور زمان از تاریخ انقضای آن مدت یا رفع مانع محاسبه می شود. (تبصره ۱ م ۱۰۷ ق. م. ا)

مرور زمان اجرای احکام دادگاه های خارج از کشور، درباره اتباع ایرانی در حدود مقررات و موافقت نامه های قانونی مشمول مقررات ماده ۱۰۷ ق. م. ا (مرور زمان اجرای مجازات) است. (تبصره ۲ م ۱۰۷ ق. م. ا)

**۴-۴-۴. عامل قطع مرور زمان مجازات:** شروع به اجرای مجازات مقرر در حکم است.

**۴-۴-۵. تعلیق مرور زمان مجازات:** هر عاملی است که با وجود آن نتوان مجازات قطعی را اجرا کرد و باعث تعلیق مرور زمان شده باشد؛ مانند وضع حمل، بارداری.

#### ۴-۵. مستثنیات مرور زمان

البته لازم به ذکر است اطلاق مواد ۱۰۵، ۱۰۶ و ۱۰۷ ق. م. ا در ماده ۱۰۹ ق. م. ا تخصیص خورده است؛ یعنی علاوه بر جرائم مستوجب حد، قصاص و دیات، برخی از جرائم تعزیری نیز مشمول مرور زمان نمی شوند که عبارت اند از:

الف: جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور؛ ب: جرائم اقتصادی شامل کلاهبرداری و جرائم موضوع تبصره ماده ۳۶ این قانون با رعایت مبلغ مقرر در آن ماده؛ پ: جرائم موضوع قانون مبارزه با مواد مخدر؛ و ت: جرائم تعزیری منصوص شرعی بر اساس تبصره ۲ ماده ۱۱۵ ق. م. ا.

#### ۵. مرور زمان در رویه قضایی

می دانیم که تبلور مقررات قانونی در حوزه مرور زمان، به طور عملی در رویه قضایی مشخص و معلوم می گردد. بسیاری از ابهامات قانونی در خصوص مرور زمان، از طریق رویه قضایی مرتفع می گردد. با بررسی رویه قضایی در خصوص مرور زمان می توانیم اصول ذیل را استنباط کنیم.

۱. اقدامات تحقیقی و تعقیبی مقامات ذیصلاح از قبیل جمع آوری دلایل و شناسایی و

دستگیری متهمین موجب قطع جریان مرور زمان می‌گردد (دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۲۱۳۱۳۰۰۰۹ مورخه ۱۳۹۲/۰۱/۲۱ شعبه ۶۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران).

جرم تغییر کاربری اراضی مشمول مرور زمان قرار می‌گیرد (دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۳۸۰۰۱۲۹ مورخه ۱۳۹۲/۰۲/۰۳ شعبه ۳۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران).

مبدأ احتساب مرور زمان رسیدگی، از تاریخ آخرین اقدام تعقیبی یا تحقیقی است (دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۴۸۰۰۳۴۰ مورخه ۱۳۹۲/۰۳/۲۹ شعبه ۴۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران).  
از آنجا که بزه انتقال مال غیر در حکم کلاهبرداری است، مشمول مرور زمان قرار می‌گیرد (دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۱۴۰۱۶۰۳ مورخه ۱۳۹۲/۱۲/۰۳ شعبه ۱۴ دادگاه تجدیدنظر استان تهران).

چون تحقق بزه افترا در صورت اسناد صریح جرمی از طرف کسی به دیگری با سوء نیت معلق به احراز کذب تهمت و عدم ثبوت عمل انتسابی در مراجع قضایی است که با این وصف اسناد دهنده مقتری محسوب و به مجازات مقرر در قانون محکوم می‌شود؛ بنابراین شروع مرور زمان جرم افترا طبعاً از تاریخ قطعیت عجز از ثبات اسناد و ثبوت کذب، شکایت شاکی است نه صرف اعلام شکایت و اسناد بزه؛ لذا رأی شعبه هشت دیوان عالی کشور در نتیجه صحیح و منطبق با موازین قانونی است (رأی وحدت رویه وحدت رویه شماره ۲۲۸ مورخ ۴۹/۰۸/۲۰ هیأت عمومی دیوان عالی کشور). قابل توجه اینکه استنباط موجود در رأی وحدت رویه قابل استفاده در موارد مشابه است.

لزوم عدم اطاله دادرسی جهت جلوگیری از شمول مرور زمان. لزوم رسیدگی و صدور رأی قبل از حصول مرور زمان بخشنامه به کلیه دادگاه‌های عمومی و انقلاب سراسر کشور بعضاً مشاهده می‌شود که به علت اطاله دادرسی در بعضی از پرونده‌ها در اثر تجدید اوقات رسیدگی و احیاناً تعیین نوبت‌های طولانی، آقایان قضات با استناد به ماده ۱۷۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مبادرت به صدور قرار موقوفی تعقیب نموده و پرونده امر را بایگانی می‌نمایند. نظر به اینکه این امر نه تنها موجب فرار مجرمین از مجازات شده و بی‌اعتمادی و بدبینی مردم را از دستگاه قضایی در پی خواهد داشت؛ بلکه سبب تجرّی بزهکاران و خصوصاً متجاوزین به حقوق عمومی خواهد شد؛ لذا اقتضا دارد قضات رسیدگی کننده سعی و دقت نمایند حتی المقدور قبل از حصول مرور زمان مقید در ماده مرقوم، نسبت به صدور رأی لازم، اقدام نمایند. رؤسای حوزه‌ها و سرپرستان مجتمع قضایی مسئول نظارت بر حسن اجرای این بخشنامه هستند و در صورت مشاهده تخلف، مراتب را گزارش خواهند کرد (بخشنامه سراسری قوه قضاییه ۱۳۸۱/۱۱/۲۷).

### نتیجه گیری

همگی می‌دانیم که دوام و قوام زندگی بیش از هر چیز به نظم و انتظام بستگی دارد تأمین نظم و امنیت جامعه در همه ابعاد همواره مورد نظر حکومت‌ها و قانون‌گذاران بوده است. در این میان امنیت اجتماعی جامعه از اهمیت شایان توجهی برخوردار بوده و به تبع آن مقررات کیفری ناظر به امنیت اجتماعی که از اهداف عمده دولت‌هاست جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص می‌دهد و هر روز قانون‌گذاران سعی می‌کنند نواقص قانون را برطرف سازند. با این وصف هر چند قاعده مرور زمان از نقطه نظر شرعی تشریح نگردیده؛ اما ادله شرعی جهت رد و نقض آن نیز به چشم نمی‌خورد و از این رو با لحاظ مقتضیات زمانی ضرورت حفظ مصالح اجتماعی و سایر ضروریات و نیازهای جامعه امروزی با توجه به نقش مهم و ارزنده‌ای که این تأسیس در فصل پرونده‌های کیفری دارد و با در نظر گرفتن این که با گذشت مدت بسیار طولانی از وقوع جرم ادله اثبات آن دچار خدشه و در معرض ایراد قرار می‌گیرد بتوان از فواید آن استفاده کرد. از طرفی دین اسلام دین رحمت و عطف است. سیره شارع مقدس در سهل‌گیری در برخی مجازات و سخت‌گیری در اثبات جرم و سفارش به عدم اقرار به جرم و اصرار بر عدم افشای جرم مسلمان و ستر عیوب مؤمن است و با توجه به ادله مذکور در جرائم مستوجب حد مقتضی اجرای حد موجود است و از طرفی با گذشت زمان مانع احتمالی و مظنون یعنی مرور زمان با قاعده استصحاب منتفی است. پس مرور زمان از نظر شرعی در فقه امامیه در حدود، قصاص و دیات قابل اجرا نیست؛ اما در مجازات تعزیری و بازدارنده پذیرش مرور زمان با مانع شرعی مواجه نیست و از طرفی با توجه به ادله معقول حقوقدانان و ضرورت‌های اجتماعی به نظر می‌رسد پذیرش آن تأمین‌کننده مصالح اجتماعی باشد؛ زیرا وقتی حاکم می‌تواند بر اساس مصلحت جامعه و شرایط و اوضاع و احوال وقوع جرم و وضعیت خاص مرتکب از تقصیر وی بگذرد چه ایراد دارد که مبنای این مصلحت گذشت زمان باشد؛ یعنی در مجازات تعزیری حاکم بر اساس مصالح اجتماع می‌تواند مجرم را تعزیر و حتی علی‌رغم اثبات جرم، تعزیر را نسبت به مجرم اجرا نکند. همچنین می‌تواند بر اساس مصالح جامعه زمانی را برای رسیدگی و مجازات در جرائم تعزیری معین کند. مضافاً باید گفت که اگر حاکم مجازات تعزیری را اجرا نکند پس به طریق اولی می‌تواند پس از گذشتن مدت زمانی از وقوع جرم به دلیل جلوگیری از تراکم پرونده‌ها و منع اختلال نظام قضایی و جلوگیری از صرف هزینه‌های گزاف، جرم تعزیری را مشمول مرور زمان قرار دهد؛ بنابراین جواز یا عدم جواز مرور زمان تعزیری را در دو جمله می‌توان خلاصه نمود اول آنکه نص صریحی در مورد مرور زمان در تعزیرات در فقه اعم از

عامه و امامیه دیده نمی‌شود، دوم اینکه هرچند که نص تصریحی در این زمینه موجود نیست؛ اما با توجه به نظریات ارائه‌شده از طرف فقها هیچ منعی هم، جهت اجرای مرور زمان در فقه وجود ندارد. صرف نظر از همه این دلایل اگر مجلس یا مرکز قانون‌گذاری، به‌عنوان اجزای حکومت اسلامی که با اتصال به رهبری دینی نظام، مشروعیت دارند با علم به مغایرت قانونی که با احکام اولیه شرعی آن را جهت تنظیم امور کشور، حفظ نظم و حقوق عمومی یا با لحاظ محدودیت‌های اداری، قضایی و اجرایی حکومت اسلامی تصویب نمایند نباید نظام اجتماعی و اجرایی حکومت و جامعه اسلامی را به دلیل مغایرت مصوبه‌ای با احکام اولیه شرعی مختل ساخت. این نظر و حکم حکومتی امام خمینی رهبر و بنیان‌گذار فقید جمهوری اسلامی نیز هست و همان‌طور که می‌دانیم برای همه و حتی مجتهدان و فقهای که در امر حکومت دخالت دارند و غیر آن‌ها لازم‌الاتباع است و بر فتاوی آن‌ها برتری دارد.

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، بر پایه این تفکر که توان رسیدگی به تمامی جرایم تعزیری را پس از گذشت مدتی ندارد، آن را به تمام تعزیرات به‌جز تعزیرات منصوص شرعی تسری داد. بدیهی است وقتی قوه مقننه می‌تواند برای یک عمل مجازات تبیین کند این اختیار را نیز دارد که آن را مشمول مرور زمان قرار دهد.

بنابراین مرور زمان نیز نهادی حمایتی است که با تحولات جرم‌شناسی همسو است و از طرفی نقش بسزایی در کاهش پرونده‌ها دارد؛ لذا جهت حفظ حقوق متهمین یا مجرمینی که به هر دلیل ممکن تعقیب یا رسیدگی و صدور حکم در مورد آن‌ها و یا اجرای حکم قطعی صادره از دادگاه ممنوع می‌گردد با شمول مرور زمان با وجود وصف مجرمانه مجازات منتفی می‌شود. در پیش‌بینی این نهاد قانون‌گذار هدف خاصی را دنبال می‌کند که می‌تواند در بازپروری مجرم مؤثر باشد و مخصوصاً که تعقیب یا رسیدگی و اجرای مجازات پس از سال‌ها مرهمی بر تألم جامعه و بزه دیده نیست و لذا دردی هم از جامعه دوا نمی‌کند.

## منابع

- آخوندی، محمود. (۱۳۶۸) *آئین دادرسی کیفری*، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۷۹) *آئین دادرسی کیفری*، تهران: انتشارات اشراق، چاپ اول.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۹۴) *شناسایی آئین دادرسی کیفری*، انتشارات دور اندیشان، چاپ هفدهم.
- آشوری، محمد. (۱۳۹۵) *آئین دادرسی کیفری*، تهران: انتشارات سمت، چاپ نوزدهم.
- آقایی جنت‌مکان، حسین. (۱۳۹۲) *حقوق کیفری عمومی*، تهران: انتشارات جنگل، چاپ سوم.

- امام خمینی، سیدروح الله. (۱۳۸۵) *صحیفه امام (دوره ۲۲ جلدی)*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، چاپ چهارم.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۷۹) *تحریر الوسیله*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، چاپ اول.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۹۲) *ولایت فقیه (حکومت اسلامی)*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، چاپ بیست و نهم.
- انصاری، قدرت الله و دیگران. (۱۳۸۶) *تعزیرات از دیدگاه فقه و حقوق جزا*، تهران: انتشارات پژوهشگاه علم و فرهنگ اسلامی، چاپ دوم.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۹۴) *ترمینولوژی حقوق*، تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ بیست و هشتم.
- خالقی، علی. (۱۳۹۴) *آئین دادرسی کیفری*، تهران: انتشارات شهر دانش، چاپ بیست و هفتم.
- رضوانی، غلامرضا. (۱۳۷۲) «میزگرد مرور زمان در دعوی حقوقی و کیفری»، *فصلنامه رهنمون*، نشریه مدرسه عالی شهید مطهری، شماره ۴۰ و ۵.
- زاهدی، عاطفه. (۱۳۹۲) *قانون مجازات اسلامی*، تهران: انتشارات جنگل، چاپ دوم.
- زراعت، عباس. (۱۳۹۳) *آئین دادرسی کیفری*، تهران: انتشارات میزان، چاپ اول.
- سبزواری نژاد، حجت. (۱۳۹۳) *حقوق جزای عمومی*، تهران: انتشارات جنگل، چاپ اول.
- سرشار، محمود. (۱۳۲۸) «مرور زمان ۱»، *مجله کانون وکلا*، سال دوم، شماره دهم.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۲۹) «مرور زمان ۲»، *مجله کانون وکلا*، سال دوم، شماره یازدهم.
- شامبیاتی، هوشنگ. (۱۳۹۲) *حقوق جزای عمومی*، تهران: انتشارات مجد، چاپ اول.
- شفایی، محسن. (۱۳۴۵) *اسلام و قانون مرور زمان*، تهران: انتشارات نقش جهان، چاپ دوم.
- شمس ناتری، محمدابراهیم و دیگران. (۱۳۹۳) *قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی*، تهران: انتشارات میزان، چاپ دوم.
- شیر، عباس. (۱۳۷۲) *سقوط مجازات‌ها در حقوق کیفری اسلام و ایران*، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه شهید بهشتی.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۱۴۱۹ق) *مسالك الافهام الى التفتیح شرایع الاسلام*، قم، موسسه المعارف الاسلامیه، چاپ اول.
- صالحی، وحید. (۱۳۹۳) *جایگاه مرور زمان کیفری*، انتشارات جاودانه جنگل، چاپ اول.
- طهماسبی، جواد. (۱۳۹۵) *آئین دادرسی کیفری*، تهران: انتشارات میزان، چاپ دوم.
- عمید، حسن. (۱۳۶۳) *فرهنگ فارسی عمیده*، تهران: انتشارات امیر کبیر، چاپ اول.
- عوده، عبدالقادر. (۱۴۱۲) *التشریح الجنایی الاسلامی مقارناً بالقانون الوضعی*، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی،

چاپ ششم.

- فتحی بهنسی، احمد. (۱۴۰۱ق) *العقوبة فی الفقه الاسلامی*، بیروت: دارالرائد العربی، چاپ دوم.
- قاسمی، ناصر. (۱۳۷۴) *اقدامات تأمینی و تربیتی در حقوق کیفری ایران*، تهران: انتشارات میزان، چاپ اول
- *قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲* با اصلاحات ۱۳۹۴، ۹۴/۳/۲۴، نشر روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول.
- کشوری، عیسی. (۱۳۷۱) «بررسی مرور زمان در حقوق اسلام»، *مجله قضائی و حقوقی دادگستری*، شماره ۸
- گلدوست جویباری، رجب. (۱۳۹۳) *آیین دادرسی کیفری*، تهران: انتشارات جنگل، چاپ اول.
- محقق حلی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن الحسن. (۱۴۰۸ق) *شرایع الاسلام*، قم: انتشارات مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، جلد چهارم.
- محقق داماد، سید مصطفی. (۱۳۷۶) *حقوق خانواده*، انتشارات علوم اسلامی، چاپ ششم.
- موسوی بجنوردی، سید محمد. (۱۳۷۲) «میزگرد مرور زمان در دعاوی حقوقی و کیفری»، *فصلنامه رهنمون*، نشریه مدرسه عالی شهید مطهری شماره ۴ و ۵.
- نبرای، نبیل. (۱۹۹۶) *سقوط الحق فی العقاب بین الفقه الاسلامی والتشریح الوضوحی*، بیروت: دارالفکر العربی.